

واکنش‌ها به اعتماد مجلس به دولت وفاق ملی

با پایان جلسات رای اعتماد وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری و کسب رای اعتماد همه این وزرا از سوی نمایندگان مجلس، واکنش‌های بسیاری در فضای مجازی به این تصمیم بهارستان‌نشینان صورت گرفت. برخی از این واکنش‌ها در ادامه می‌آید.

▼ خبر خوب رای مجلس

محمد جواد ظریف، معاون راهبردی پزشکیان، که خبر استعفای او چندی پس از اعلام اسامی وزرای پیشنهادی از سوی رئیس‌جمهوری منتشر شد، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «خبر خوب رای مجلس به همه وزیران پیشنهادی، بسیاری از کوشندگان برای ایران پایدار و امیدوار را شادمان کرد. کامیابی راهبرد رئیس‌جمهور عزیز و محبوب برای ایجاد وفاق در نظام سیاسی آغازی بسیار ارزشمند است. این پیروزی بر همه آنان که دل در گرو آبادانی و پیشرفت ایران دارند خجسته باد.» در ادامه این مطلب آمده است: «امیدوارم، به یاری خدا، درگام‌های آتی دولت چهاردهم، این وفاق خجسته به سپهر عمومی جامعه نیز گسترش یابد و با تداوم و افزایش مشارکت متخصصان، جوانان، بانوان و اقلات مختلف در مدیریت‌های عالی و میانی و گام‌های سترگ بیشتر در جهت کارآمدی و توسعه‌گرایی، همه ایرانیان - نه تنها رای‌دهندگان، بلکه ایرانیان ناامید از مشارکت و نیز آنانی که از مناسبات سیاسی موجود آسیب دیده‌اند - دلگرم و امیدوار شوند.»

▼ قالیباف و امتداد مسیر وفاق ملی

همچنین در پی این تصمیم مجلس، محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت دوازدهم نوشت: «گام دوم برای «وفاق ملی» را نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، محکم برداشتند؛ بیش باد... نقش آقای محمد قالیباف برای امتداد مسیر وفاق ملی، قابل توجه و درخور قدردانی است.»

▼ وفاق ملی و آشتی ملی

علاوه بر آن، آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات در حساب شخصی خود در شبکه اجتماعی نوشت: «رای اعتماد به تمامی وزرای پیشنهادی دکتر پزشکیان گام مهمی برای پیشبرد پروژه وفاق ملی است. امید که بعد از این گام با پذیرش الزامات آشتی ملی از جانب همه ارکان حاکمیت و نیز جریان‌های سیاسی، تلاش‌ها معطوف به ترمیم شکاف حاکمیت ملت باشد.»

▼ حمایت از ایده وفاق ملی

همچنین محسن حاجی میرزایی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در حساب شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دکتر پزشکیان بارها بر انسجام داخلی تأکید داشتند و کابینه وفاق ملی از مهم‌ترین ارکان این هم‌افزایی است. مجلس شورای اسلامی روزهای پر کاری را پشت سر گذاشت. از تمامی نمایندگان محترم، به‌ویژه رئیس‌جمهور محترم مجلس بابت تلاش‌های صادقانه برای حمایت از ایده وفاق ملی سپاسگزارم.»

▼ راهبرد توافق‌سازی تا اینجا جواب داد

همچنین محمد فاضلی، جامعه‌شناس بعد از رای اعتماد مجلس به کابینه پزشکیان نوشت: «آقای مسعود پزشکیان و وزرای محترم دولت چهاردهم، موفق باشید. موفقیت شما در شناخت، تعریف، تحلیل، تعدیل و حل مسائل ایران، موفقیت ما ایرانیان و اثرگذار بر زندگی همه ماست. نکته: راهبرد توافق‌سازی تا این‌جا جواب داده است. توافق‌سازی راهبردی برای ارتقای کیفیت حکومت است.»

▼ مسیر درست و دشوار

معصومه ابتکار، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز پس از رای اعتماد مجلس به دولت پزشکیان در شبکه اجتماعی ایکس به این رخداد واکنش نشان داد و نوشت: «آقای دکتر پزشکیان مسیر درست، گرچه دشوار اجماع‌سازی را در پیش گرفت کابینه وفاق ملی برای اعتماد یکپارچه مجلس، امروز دوباره منشأ امید و انسجام ملی شد. برای همه اعضای دولت چهاردهم در پیشبرد امور ایران سرپلند، آرزوی توفیق داریم.»

▼ اولین گام برداشته شد

مصطفی پورمحمدی، از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ در واکنش به رای اعتماد مجلس به کابینه پزشکیان در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «شکر خدا اولین گام امید برداشته شد. مبارک مردم ایران باشد. از رئیس‌جمهور و مجلس تشکر می‌کنم.»



عکس: | احمد معینی - حم - ایرنا

گفتمان احیای دولت - ملت

بررسی نطق احمد میدری که نظریه مبنایی دولت چهاردهم را تبیین کرد



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

پس از اعلام نتایج قطعی انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم و معرفی مسعود پزشکیان به عنوان نهمین رئیس‌جمهوری تاریخ ایران، او در سخنرانی مراسم تحلیف خود سرانجام نام دولت خود را اعلام کرد و از تلاش برای تشکیل دولتی با عنوان «دولت وفاق ملی» حرف به میان آورد؛ دولتی که به قول خود پزشکیان «خود را دولت همه ملت ایران، موظف به تأمین حقوق شهروندی همه ایرانیان و ملتزم به اولویت منافع ملی بر هر امر دیگر» خواهد دانست. پس از برگزاری مراسم تحلیف و تنفیذ، بحث پیرامون تشکیل دولت وفاق ملی به صورت ابتدایی وجود داشت و دارای ابهام بود. ولی اظهارنظرها زمانی اوج گرفت که پزشکیان اسامی کابینه پیشنهادی خود را برای تشکیل دولت چهاردهم به مجلس ارائه کرد؛ لیستی که هم شامل اصلاح‌طلبان بود و هم اصول‌گرایان و میانه‌روها در آن به چشم می‌خوردند.

پس از اعلام لیست کابینه پیشنهادی و در جریان جلسه‌هایی که برای بررسی صلاحیت وزرا در ساختمان بهارستان برگزار می‌شد، احمد میدری که به عنوان وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس معرفی شده بود، در سخنرانی خود نکاتی را بیان کرد که شاید بتوان این نکته‌ها را مانیفست وفاق ملی و در راستای گفتمان احیای دولت - ملت دانست. برای مثال او با طرح پرسشی مهم و مبنایی گفته بود: «به عنوان یک پژوهشگر برای من این سوال بود که چگونه می‌توان ثبات سیاسی را بر ایران حاکم کنیم و منازعات سیاسی را تبدیل به وفاق ملی کنیم؟ آن چیزی که من به آن رسیدم، ما به دلیل اندیشه‌های غلط از انقلاب مشروطه تا الان نتوانسته‌ایم به وفاق ملی دست پیدا کنیم، و این اندیشه‌های غلط فقط متعلق به یک طرف نبوده است.» و یا اینکه در بخش دیگری از اظهاراتش با بیان اینکه «با از تاریخ درس می‌گیریم و آینده‌ای نو می‌سازیم؛ با اسیر تاریخ می‌شویم و آینده را ویران می‌کنیم.» تأکید کرده بود که نباید سیاست حذفی را درباره جریان‌های سیاسی در پیش گرفت و به دنبال این حرف در نکته‌ای مهم گفته بود: «سنت‌های تاریخی ایران به ما می‌گوید که باید جامعه و حکومت در کنار هم بتوانند دولت کارآمد و جامعه قوی بسازند. این اصل بعد از انقلاب مشروطه فراموش شد و پس از آن تاکنون جامعه روشنفکری دولت‌ستیز شد و با نقدهای مخرب به جای نقد سازنده کشور را در معرض تهدید خارجی قرار داد و در مقابل دکترین حکمرانی دولت هم، همواره محدودسازی نهادهای مدنی در ایران بوده است. تا زمانی که نظم‌طلبان در ایران خواهان محدودسازی نهادهای مدنی هستند، در انتخابات و در سیاست همه غافلگیر می‌شویم.»

به بهانه مانیفستی که از تشکیل دولت وفاق ملی از سوی احمد میدری در مجلس ارائه شد، گفت‌وگویی تفصیلی با احمد بخارایی، مدیر گروه جامعه‌شناسی سیاسی انجمن جامعه‌شناسی ایران انجام دادیم. او در این گفت‌وگو تأکید کرد که شروع این مسیر باید از سوی دولت باشد و این دولت است که می‌تواند زمینه وفاق ملی را ایجاد کند تا وفاق از سطح کلان به سطوح خرد جامعه کشیده شود.

به‌عنوان اولین سوال چطور می‌توان ثبات سیاسی را بر ایران حاکم کرد تا منازعات تبدیل به وفاق ملی شود؟

ما دو نوع وفاق ملی می‌توانیم داشته باشیم؛ یک نوع وفاق ملی از نوع مکانیکی است و نوع دیگر وفاق ملی از نوع ارگانیکی خواهد بود که هر دو به نحوی با بی‌ثباتی و ثبات سیاسی پیوند می‌خورد. اگر ما به وفاق ملی نگاه مکانیکی داشته باشیم، جمع کردن آدم‌ها دور هم با مواضع مختلف خواهد بود که من آن را وفاق ملی از نوع انبساطی می‌دانم. چطور در انباری ما همه چیز را دور هم جمع می‌کنیم، در مدل مکانیکی شاهد این نوع انباری هستیم و این نمی‌تواند وفاق ملی به معنای واقعی کلمه باشد، بلکه فقط از سر خود باز کردن است. ما نیازمند وفاق ملی هستیم که جنبه ارگانیکی داشته باشد، یعنی به نحوی افکار و اندیشه‌های جدید که فراتر از جریان‌ات امتحان‌پس‌داده، ایجاد شود. بحث فراچنجی بودن و آدم‌های اندیشمند، نگاه از نوع ارگانیکی است ولی اگر صرفاً نگاه مصداقی داشته باشیم و بگوییم این آدم از این جناح حضور داشته باشد و فلان فرد از جناح دیگری باشد و اینطور وفاق ملی ایجاد کنیم، این نوع نگاه به وفاق ملی که از نوع مکانیکی به شمار می‌رود، ارزشمند نیست و راه به جایی نخواهد برد. اما اگر نگاه مفهومی داشته باشیم، براساس یک منظومه فکری نوین حرکت می‌کنیم و آدم‌هایی حضور داشته باشند که حتی ممکن است جهت‌گیری خاص سیاسی نداشته باشند و بعد از آن به مفهوم توجه داشته باشیم؛ یعنی به توانایی‌ها، اندیشه‌ورزی‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های نوین توجه کنیم. اگر وفاق ملی به معنای ارگانیکی مدنظر باشد، آن وقت است که بحث ثبات سیاسی معنادار می‌شود. ثبات سیاسی از چهار جنبه قابل تحلیل است که یکی مربوط به گذشته، یکی مربوط به حال (از دو بُعد صوری و محتوایی) و یکی آینده است. ثبات سیاسی چیزی نیست که یک تعریف مختصر و محدود داشته باشد که مثلاً بخواهیم بگوییم قانون‌گرایی به معنای ثبات سیاسی است. تعاریف ثبات سیاسی تاکنون پراکنده بوده است و مهم این است که ما از آن چهار زاویه به ثبات سیاسی نگاه کنیم. اولین زاویه این است که از گذشته اگر نگاه کنیم، در یک جامعه اگر ثبات سیاسی وجود داشت، شما شاهد کارکردهای مثبتی بودید. به‌عنوان مثال مثلاً تاریخ را می‌کاود که مثلاً روند مشارکت سیاسی چگونه بوده است؟ سیر صعودی داشته یا سیر نزولی؟ اگر سیر نزولی داشته معنی این است که اعتماد، رضایت اجتماعی، حساسیت و اثرگذاری اجتماعی و همه حلقه‌هایی که این زنجیره را تشکیل می‌دهند، براساس نگاه گذشته همه اینها در ایران با بحران مواجه بوده است. گذشته چراغ راه آینده است و شما وقتی یک تحلیل داشته باشید، براساس کارکردها و خروجی‌ها می‌توانید بگویید ثبات سیاسی وجود داشته است یا خیر. زاویه دید دوم معطوف به زمان حال است که نگاه صوری و شکلی دارد. شما وقتی نگاه معمولی و سطحی به جامعه داشته

باشید، می‌توانید حس کنید که ثبات سیاسی در جامعه احساس می‌شود یا خیر. اگر ثبات سیاسی در جامعه وجود داشته باشد، جامعه دچار التهاب و نگرانی نیست، جامعه احساس عدم امنیت نمی‌کند. در این زمینه، اطرافیان و نزدیکان می‌توانند مثالی باشند که آیا واقعا ثبات سیاسی وجود دارد یا ندارد. زاویه دید سوم که باز معطوف به زمان حال است، جنبه محتوایی دارد و اینجا بحث خیلی جدی می‌شود. در اصل بی‌ثباتی اگر تعریف شود، ثبات سیاسی معنادار می‌شود. در یک تعریف کلی ممکن است بگوییم ثبات سیاسی به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی است ولی این تعریف کلی است و یک دنیا حرف در این تعریف است. هائیتنگتون این موضوع را کمی ریزتر و شاخصه‌مندتر تعریف می‌کند و می‌گوید ثبات سیاسی در نهادمندی سیاسی تعریف می‌شود. آیا این تعریف کفایت می‌کند؟ به نظر می‌رسد اینطور نباشد زیرا شما می‌بینید در جامعه خودتان نهادمندی سیاسی دارید و نهادهای قدرت جدا هستند و در ظاهر با این نهادمندی باید ثبات سیاسی برقرار باشد اما می‌بینیم که جواب نمی‌دهد و ما احساس ثبات سیاسی نداریم. اگر تعریف به ضد کنیم، ثبات را به بی‌ثباتی تعریف می‌کنیم. بی‌ثباتی عمدتاً دارای دو بُعد سیاسی و مدیریتی است. حالا راحت‌تر متوجه می‌شویم که بی‌ثباتی سیاسی معنادار بوده است یا خیر. به جهت سیاسی این بی‌ثباتی در قوه مجریه خیلی متجلی شده است؛ از دولت خاتمی که با شعار توسعه سیاسی دست زد به سینه دولت هاشمی‌فارسنجانی زد، دولت احمدی‌نژاد دست زد به سینه دولت خاتمی می‌زند، دولت روحانی با شعار جدید اعتدال دست زد به دولت احمدی‌نژاد می‌زند و دولت رئیسی هم دست زد به سینه دولت روحانی می‌زند و حالا دولت آقای پزشکیان با شعارهایی که مطرح می‌کند، دست زد به سینه دولت رئیسی زده است. پس ما شاهد بی‌ثباتی سیاسی در بُعد سیاسی هستیم. در بُعد اجتماعی هم ما شاهد بی‌ثباتی هستیم. شما نگاه کنید نهادهای اجتماعی مثل آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه‌ها با علامت سوال جدی مواجه هستند. وقتی در تعریف از ثبات سیاسی، به بی‌ثباتی توجه می‌شود و فراز و فرودها را می‌بینیم، جنبه محتوایی آن مشخص می‌شود. زاویه دید چهارم عطف به آینده است. ثبات سیاسی باید یک خروجی و پیامد داشته باشد. باید دید امید به آینده در جامعه چقدر است. اگر امید به آینده زیاد بود، می‌توانید به این پی ببرید که ثبات سیاسی وجود دارد. اگر دیدید که روند مهاجرت و فرار سرمایه‌ها کمتر شده یا این امید وجود دارد که کمتر شود، معنایش این است که ثبات سیاسی دارید. ولی وقتی تحلیل روند می‌کنید و می‌بینید که فرار سرمایه‌ها سیر صعودی دارد و یا حتی روند گذشته را دارد و سیر نزولی پیدا نکرده، این نشان‌دهنده عدم وجود ثبات سیاسی و به عبارت دیگر بی‌ثباتی سیاسی و عدم امنیت است. وقتی که بحث امنیت می‌شود، باز همان داستان رابطه ثبات سیاسی و توسعه پیش می‌آید که خمیرمایه توسعه جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی است و ارتباط